روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

سه‌شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ • ۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ • ۱۰ نوامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۵۲۳ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۰ • اذان صبح فردا ۵:۱۰ • طلوع آفتاب ۶:۳۶



با ورود پدیده آب‌وهوایی ال‌نینو به کشور و تداوم بارش‌های پاییزی و کاهش محسوس دما، دوشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵، تبریز شاهد بارش برف بود؛ بارشی که حال‌وهوای زمستانی به این شهر بخشید و چهره‌ای متفاوت از پاییز را به نمایش گذاشت. عکس: علی حامد حق‌دوست، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

اینترنت؛ میدان اعتماد یا قلمرو کنترل؟



قادرباستانی‌تبریزی

امروز برای بسیاری از مردم، اینترنت بخشی از زندگی واقعی آنهاست. دانش‌آموزی که درس می‌خواند، روزنامه‌نگاری که خبر دنبال می‌کند، فروشنده‌ای که معیشتش به یک صفحه مجازی وابسته است، پژوهشگری که به منابع علمی دسترسی دارد و شهروندی که می‌خواهد نظرش را درباره مسائل جامعه بیان کند، همگی در این فضای مشترک زندگی می‌کنند. به همین دلیل، هر تصمیمی درباره اینترنت، در حقیقت تصمیمی درباره زندگی مردم است. آیا سیاست‌گذار این واقعیت را پذیرفته و به دنبال ساختن فضایی امن و قابل اعتماد است یا همچنان می‌خواهد با گسترش ابزارهای نظارتی و محدودکننده، رفتار ارتباطی جامعه را مدیریت کند؟

طرح هشت‌ماده‌ای «نظام‌بخشی فضای مجازی» فرصتی برای تأمل در این مسئله است که چرا این طرح می‌خواهد ساختار قدرت و نظارت در فضای مجازی را بازتعریف کند. از این منظر، اهمیت آن در نوع نگاهی است که به دولت، شهروندان و مناسبات ارتباطی جامعه دارد. یکی از محورهای اصلی طرح، تثبیت جایگاه شورای عالی فضای مجازی به عنوان عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری و تعیین‌تکلیف نهادهای مسئول است. همچنین سه کمیسیون عالی برای تنظیم مقررات، امنیت و ارتقای تولید محتوا پیش‌بینی شده و اختیارات گسترده‌ای برای مرکز ملی فضای مجازی در نظر گرفته شده است. نمی‌توان انکار کرد تعدد نهادها و تداخل مسئولیت‌ها از مشکلات جدی مدیریت فضای مجازی در کشور است و تعیین حدود وظایف می‌تواند به هماهنگی بیشتر کمک کند، اما حل موازی‌کاری نباید به تمرکز غیرپاسخ‌گوی قدرت منجر شود.

نهادی که سیاست‌گذاری می‌کند، تا چه اندازه در برابر تصمیم‌های خود پاسخ‌گوست؟ چه مرجعی بر عملکرد آن نظارت می‌کند و شهروندان چگونه می‌توانند به تصمیم‌هایش اعتراض کنند؟ در تنظیم‌گری مدرن، استقلال و تمرکز تخصص اهمیت دارد، اما وقتی سیاست‌گذاری، نظارت، صدور مجوز و اعمال ضمانت اجرا در ساختاری محدود جمع می‌شود، خطر شکل‌گیری قدرتی وجود دارد که هم قواعد بازی را تعیین می‌کند و هم درباره رعایت آنها حکم می‌دهد.

نگرانی دیگر به شیوه برخورد با تخلفات مربوط می‌شود. در ماده پنج طرح، هفت مصداق تخلف و هشت نوع ضمانت اجرا پیش‌بینی شده است؛ از انتشار عمومی تخلف و جریمه نقدی تا محدودیت جذب کاربر جدید، محدودیت تبلیغات و تعلیق یا لغو مجوز. جریمه‌ها نیز ممکن است به یک تا ۱۰ درصد درآمد سالانه کسب‌وکار برسد. اصل وجود ضمانت اجرا برای تخلف قابل دفاع است، اما مجازات باید متناسب با نوع تخلف، میزان خسارت، اندازه بنگاه و سابقه آن باشد. جریمه‌ای که برای یک شرکت بزرگ قابل تحمل است، ممکن است یک کسب‌وکار نوپا را به تعطیلی بکشاند.

افزون بر این، استقلال مرجع رسیدگی و حق دفاع مؤثر اهمیت اساسی دارد. در طرح، رسیدگی به تخلفات به هیئتی سه‌نفره با حضور نماینده قضائی، معاون مرکز ملی فضای مجازی و متخصص معرفی‌شده از سوی اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی سپرده شده است. اعتراض به تصمیم این هیئت نیز از مسیر دیوان عدالت اداری امکان‌پذیر خواهد بود. با توجه به نقش مرکز ملی در ساختار سیاست‌گذاری و نظارت، باید حدود دخالت نهادهای ذی‌نفع در فرایند رسیدگی به‌روشنی مشخص شود.

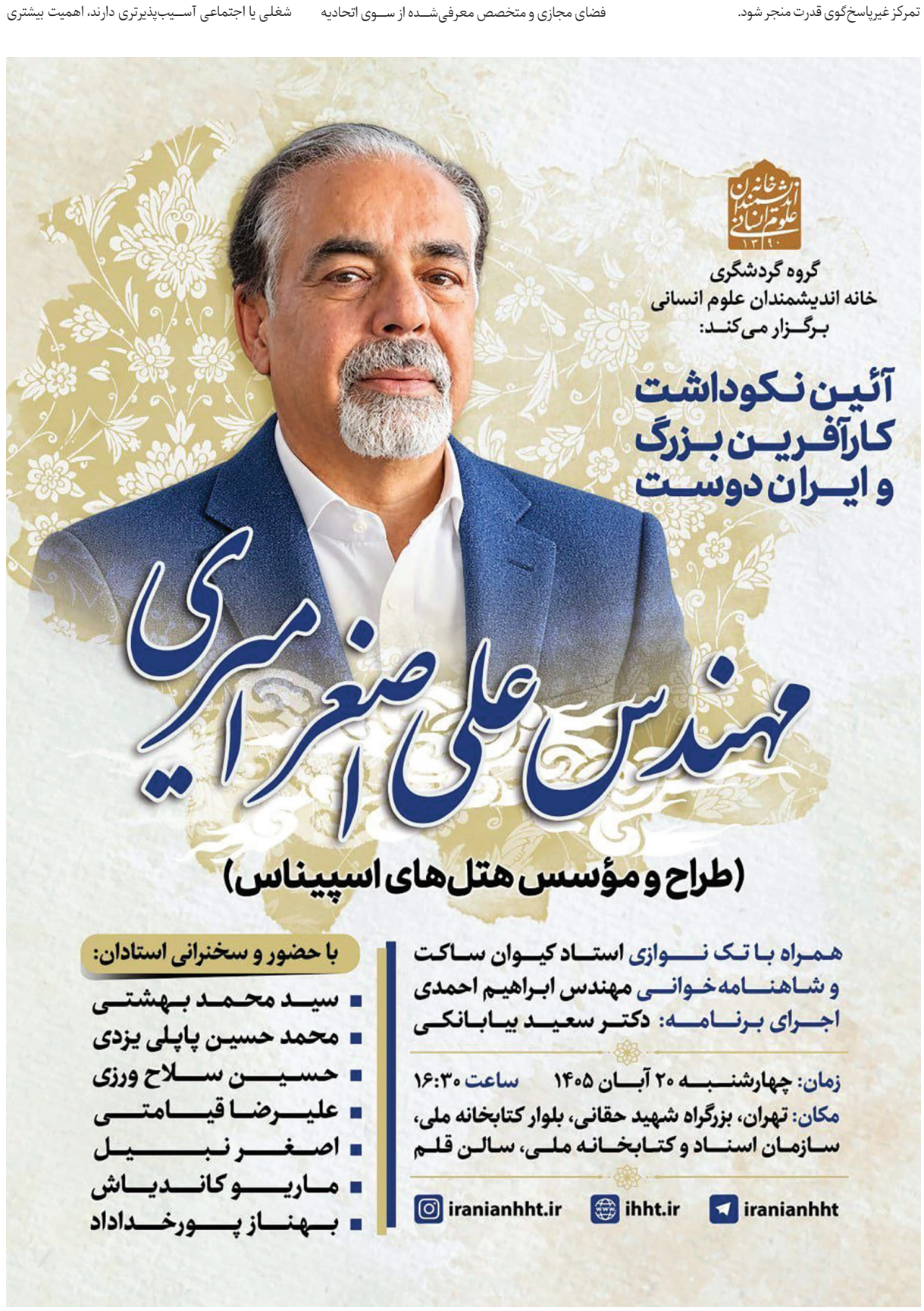
موضوع حساس‌تر، الزام به احراز هویت کاربران است. هرچند حمایت از کودکان و مقابله با سوءاستفاده ضروری است، اما ناشناسی در فضای مجازی همیشه به معنای پنهان‌شدن برای ارتکاب تخلف نیست. گاهی افراد برای بیان تجربه‌های شخصی، افشای فساد یا طرح انتقاد، به حفظ هویت خود نیاز دارند. الزام به شناسایی دائمی کاربران می‌تواند ترس از پیامدهای اظهارنظر را افزایش دهد و به خودسانسوری و کاهش مشارکت شهروندان در گفت‌وگوی عمومی بینجامد. این مسئله به‌ویژه برای کسانی که موقعیت شغلی یا اجتماعی آسیب‌پذیرتری دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. فضای عمومی زمانی می‌تواند محل نقد و گفت‌وگوی آزاد باشد که افراد امکان مشارکت نسبتا برابر و مستقل داشته باشند. محتوای دیجیتال همیشه معنایی ثابت ندارد. یک تصویر یا جمله ممکن است در زمینه خبری، آموزشی، طنز یا پژوهشی معانی متفاوتی پیدا کند. سامانه‌های خودکار نیز در تشخیص کنایه، زمینه فرهنگی و تفاوت میان گزارش یک واقعه و تأیید آن محدودیت دارند. اگر هزینه خطای تشخیص بر عهده سکوهای ارائه‌دهنده باشد، آنها برای پیشگیری از مجازات احتمالی، به حذف محتاطانه محتوا روی می‌آورند. در این صورت، محدودیت بیان نه با دستور مستقیم، بلکه از طریق ترس از پیامدهای حقوقی و اقتصادی گسترش پیدا می‌کند.

اقتصاد دیجیتال برای رشد به سرمایه‌گذاری، ثبات مقررات و دسترسی به بازارهای داخلی و جهانی نیاز دارد. مجوزهای متعدد، مسئولیت‌های سنگین حقوقی و محدودیت‌های ارتباطی، هزینه فعالیت را افزایش می‌دهند. حمایت از سکوهای داخلی نیز زمانی به توسعه می‌انجامد که بر کیفیت، امنیت و رقابت استوار باشد، نه اجبار اداری. نمی‌توان از توسعه هوش مصنوعی و اقتصاد داده‌محور سخن گفت، اما هم‌زمان با محدودکردن ارتباطات بین‌المللی و ایجاد نااطمینانی، زمینه فعالیت و نوآوری را تضعیف کرد.

مسئله مهم‌تر، فاصله میان سیاست‌گذاری رسمی و تجربه روزمره مردم است. تجربه فیلترینگ گسترده نشان داده محدودکردن یک سکو الزاما نیاز اجتماعی به آن را از بین نمی‌برد. کاربران راه‌های جایگزین پیدا می‌کنند، هزینه دسترسی افزایش می‌یابد و بخشی از ارتباطات به محیط‌هایی منتقل می‌شود که امکان نظارت و حمایت حقوقی در آنها کمتر است. نتیجه چنین سیاستی می‌تواند گسترش بازار ابزارهای دورزدن محدودیت و کاهش اعتماد عمومی باشد. حکمرانی فضای مجازی نیازمند نگاه تازه‌ای به جامعه است. دولت وظیفه دارد امنیت را تأمین، با تخلف برخورد کند و قواعد منصفانه‌ای برای فعالیت اقتصادی و ارتباطی بسازد، اما نمی‌تواند همه مناسبات جامعه شبکه‌ای را با منطق فرماندهی و کنترل اداره کند. امنیت پایدار از ترکیب قانون روشن، تنظیم‌گری مستقل، حفاظت از حریم خصوصی، رقابت اقتصادی، سواد رسانه‌ای و مشارکت واقعی شهروندان به دست می‌آید.

طرح نظام‌بخشی را باید از همین زاویه سنجید. در آن، هم تلاش برای رفع پراکندگی نهادی، تقویت بی‌طرفی شبکه و شناسایی حقوق کاربران دیده می‌شود و هم تمرکز گسترده اختیار، احراز هویت فراگیر، رده‌بندی محتوا و مجازات‌های سنگین. اینکه کدام منطق در بررسی و تصویب نهایی و آیین‌نامه‌های اجرایی غلبه کند، اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد.

مسئله فقط آینده اینترنت نیست؛ مسئله نوع رابطه حکومت و جامعه است. شهروندی که احساس کند به او اعتماد دارند، مسئولانه‌تر مشارکت می‌کند و شهروندی که دائما خود را زیر نگاه ناظر احساس کند، به‌تدریج سکوت و کناره‌گیری را ترجیح می‌دهد. کنترل شاید بتواند رفتارها را برای مدتی محدود کند، اما اعتماد است که همکاری اجتماعی و امنیت پایدار را می‌سازد.



کارزار

آیا نسل زد بی‌تفاوت است؟

نگاهی به کارزارهای دانش‌آموزی و شکل‌های تازه کنشگری مدنی

حورا طهرانی، مدرس سواد رسانه‌ای: متولدین ۸۰ به بعد، همان کسانی که به عنوان نسل زد می‌شناسیمشان، نسلی که متهم به بی‌تفاوتی است، هزاران امضا برای تغییر یک تصمیم آموزشی جمع می‌کند، درباره محدودیت دسترسی به یک بازی اینترنتی کارزار می‌نویسد و برای بازگرداندن کانال یک تولیدکننده محتوا ده‌ها هزار نفر را با خود همراه می‌کند. این تصویر با روایتی که از فاصله‌گرفتن نسل جدید از فعالیت‌های اجتماعی و مدنی ساخته‌ایم، چندان همخوان نیست. مدت‌هاست نسل جدید به بی‌توجهی به مسائل عمومی متهم می‌شود، اما مروری بر کارزارهایی که دانش‌آموزان در پلتفرم کارزار نوشته یا امضا کرده‌اند، تصویر متفاوتی از مشارکت آنها نشان می‌دهد.

از کنکور تا عدالت آموزشی

بخش قابل توجهی از کارزارهای دانش‌آموزی به مسائل آموزشی مربوط است؛ از اعتراض به تأثیر معدل در کنکور و تغییر زمان امتحانات تا تأخیر در اعلام نتایج آزمون مدارس استعدادهای درخشان و نمونه دولتی و کاهش ظرفیت پذیرش رشته‌های پزشکی و دندان‌پزشکی. تعداد امضاهای برخی از این کارزارها قابل توجه است. کارزار اعتراض به تأخیر در اعلام نتایج آزمون مدارس استعدادهای درخشان و نمونه‌دولتی بیش از ۱۱ هزار امضا جمع کرده، درخواست جبران کاهش فرصت آمادگی کنکور داوطلبان چهار استان جنوبی بیش از هفت هزار امضا داشته و کارزار جلوگیری از کاهش ظرفیت پذیرش پزشکی و دندان‌پزشکی نیز از چهار هزار امضا عبور کرده است.

وقتی فورتنایت و یوتیوب هم موضوع مطالبه‌گری می‌شوند

در میان این کارزارها، نمونه‌هایی هم وجود دارد که احتمالا برای نسل‌های قبل چندان جدی به نظر نرسد. چندین کارزار درباره مسدودشدن کانال‌ها و صفحات یوتیوب نیما رضایی (نیما تکیدو) نوشته شد. یکی از این کارزارها بیش از ۱۲۵ هزار امضا و دیگری برای بازگرداندن کانال و صفحه او بیش از ۷۱ هزار امضا جمع کرده است. درخواست رفع محدودیت و بهبود مسیر ارتباطی بازی فورتنایت نیز از دیگر نمونه‌هاست. فضای دیجیتال برای نوجوان امروز فقط محل سرگرمی نیست، بلکه بخش مهمی از زندگی و روابط اجتماعی و حتی هویت او در همین فضا شکل می‌گیرد؛ بنابراین محدودیت دسترسی به این فضاها برای او مسئله‌ای جدی است. البته تعداد امضاها به‌تنهایی معیار سنجش کنشگری مدنی نیست و نمی‌توان همه امضاکنندگان را دانش‌آموز یا متعلق به نسل زد دانست. بااین‌حال، این نمونه‌ها نشان می‌دهند دغدغه‌های نسل جدید الزاما با اولویت‌های نسل‌های قبل یکسان نیست. برای شناخت مشارکت آنها نیز نباید و نمی‌توانیم از پیش تعیین کنیم کدام مطالبه ارزش شنیده‌شدن دارد.

از مطالبه شخصی تا تجربه مشارکت اجتماعی

مطالبه‌گری لزوما با دغدغه‌های بزرگ اجتماعی شروع نمی‌شود؛ بسیاری از این درخواست‌ها از نگرانی‌های شخصی آغاز می‌شوند. گاهی یک مسئله شخصی، وقتی به زبان جمعی بیان می‌شود و دیگران را با خود همراه می‌کند، به تجربه‌ای از مشارکت اجتماعی تبدیل می‌شود. نکته مهم‌تر اینکه برخی دانش‌آموزان فقط کارزارهای موجود را امضا نمی‌کنند، بلکه خودشان نیز مطالبه‌ای را مطرح و کارزار می‌نویسند. این کار به معنای تشخیص یک مسئله، توضیح آن، صورت‌بندی خواسته و تلاش برای جلب همراهی دیگران است. در این فرایند، دانش‌آموز از یک مخاطب صرف به فردی تبدیل می‌شود که در طرح و پیگیری یک مسئله نقش دارد. آشنایی با این شیوه مشارکت می‌تواند تجربه‌های تازه‌تری ایجاد کند. دانش‌آموزی که ابتدا برای پیگیری مسئله‌ای مانند زمان امتحانات یا شرایط کنکور وارد پلتفرم کارزار شده، در ادامه با مطالبات اجتماعی دیگر مواجه می‌شود، آنها را می‌خواند، امضا می‌کند یا برای دوستانش می‌فرستد. حتی ممکن است خودش درباره موضوعی متفاوت از دغدغه اولیه‌اش کارزار بنویسد. البته نمی‌توان این تجربه را به همه دانش‌آموزان تعمیم داد، اما چنین نمونه‌هایی نشان از آن دارد که آشنایی با ابزارهای مطالبه‌گری می‌تواند زمینه گسترش دایره توجه و مشارکت اجتماعی را فراهم کند.

آیا مشارکت را به نسل جدید یاد داده‌ایم؟

اینجا پرسش مهمی مطرح می‌شود: اگر شکل خاصی از مشارکت را در نسل جدید نمی‌بینیم، آیا باید فورا آن را به بی‌تفاوتی نسبت بدهیم؟ یا باید بررسی کنیم چقدر فرصت یادگیری و تجربه مشارکت را برای نوجوانان فراهم کرده‌ایم؟ در مدرسه درباره مسئولیت اجتماعی و حقوق شهروندی صحبت می‌کنیم، اما آیا دانش‌آموزان فرصت تجربه عملی این مفاهیم را دارند؟ آیا می‌توانند درباره تصمیم‌های مدرسه نظر بدهند و خواسته‌هایشان را پیگیری کنند؟ در خانواده نیز چقدر برای شنیدن نظر متفاوت فرزندانمان آمادگی داریم؟ مشارکت مدنی با توصیه و نصیحت شکل نمی‌گیرد. نوجوانان باید فرصت داشته باشند مسئله‌ای را تشخیص دهند، برای آن استدلال بیاورند، دیگران را همراه و نتیجه مطالبه خود را پیگیری کنند. البته فراهم‌کردن ابزار مشارکت هم کافی نیست. اگر مطالبات بارها مطرح شوند و هیچ پاسخی نگیرند، انگیزه مشارکت پایدار نیز تضعیف خواهد شد. نهادهای مسئول باید درباره سرنوشت درخواست‌ها پاسخ‌گو باشند. حتی یک پاسخ منفی اما روشن، بهتر از بی‌خبری است. دانش‌آموزی که کارزار می‌نویسد و دیگران را همراه می‌کند، شاید شبیه تصویر آشنای ما از کنشگر مدنی نباشد، اما این تفاوت به معنای فقدان کنشگری نیست. شاید نسل جدید فقط به شیوه خودش وارد میدان شده باشد؛ شیوه‌ای که پیش از قضاوت درباره آن، باید دیده و جدی گرفته شود.

یاد

پرویز حبیب‌پور
هنرمندی خستگی‌ناپذیر



زهرا کریمی

پرویز حبیب‌پور، نقاش برجسته، ۱۶ آبان‌ماه پس از یک دوره بیماری نسبتا کوتاه، از میان ما رفت. سابقه آشنایی من با پرویز حبیب‌پور به بیش از ۵۰ سال پیش برمی‌گردد؛ زمانی که دانش‌آموز دبیرستان بودم و به توصیه دوستی، همراه با چند نفر از هم‌کلاسی‌ها به نمایشگاه نقاشی او رفتیم. نقاشی‌های خیره‌کننده، فریاد اعتراض به بی‌عدالتی و امید به آینده‌ای بهتر، همه ما را به‌شدت مجذوب کرد. در پی ازدواج پرویز با منیر، دوست نزدیکم، ارتباط ما تداوم یافت و تعمیق شد. علاوه بر مراودات گاه و بی‌گاه، سفرهایی که عموما در تعطیلات نوروز دست می‌داد، فرصت‌های ممتازی برای شناخت بیشتر و یافتن علایق مشترک فراهم می‌آورد. عشق به هنر، خلاقیت و نوآوری، ویژگی برجسته شخصیت پرویز بود. وسایل نقاشی همواره در کنارش بود و در جمع دوستان و در میانه گفت‌وشنود به کشیدن چهره‌ها یا نقاشی از طبیعت مشغول می‌شد. نقاشی‌های پرویز حبیب‌پور عموما انعکاسی از روح پرشور او هستند؛ معترض و امیدوار. «پسته خندان‌کن‌ها»؛ روستایی‌هایی که به قیمت ازدست‌دادن دندان‌ها پسته‌ها را خندان می‌کنند. «سازندگان»؛ گروهی کارگر در میان ساختمان‌های سر به آسمان کشیده که دور آتشی جمع شده‌اند و دست‌هایشان را گرم می‌کنند. «عشق به طبیعت»؛ دخترکی که گیاهی سبز و کوچک را در میان انبوهی از درختان قطع‌شده در دستان خود محافظت می‌کند. فریاد اعتراض به هنجارهای مبتذل در «خرده‌بورژوا و پیکانش»؛ اعتراض به الگوهای مصرفی رایج؛ اعتراض به جامعه‌ای که مردم را به ظاهرسازی و دروغ ترغیب می‌کند. در «فلاکت‌زده‌ها»؛ زن و مردی که در مقابل نورافکن‌ها شاد و خوشبخت به نظر می‌آیند ولی پاهای لخت و لاغرشان در بخش تاریک صحنه در واقع نشان می‌دهد مفلوک‌اند. زنده‌بودن امید در تابلو «نوروز»؛ زنی که در آستانه عید نوروز سبزه خریده و با دو فرزندش از میان شیشه‌های شکسته از ترکش‌ها (در دوران جنگ ایران و عراق) می‌گذرد. تابلو «صفرخان»؛ سمبلی از ایستادگی که در آن گویی صفر، قهرمانی از درون صخره‌ای بیرون می‌آید. و تابلوی «عصیان» که گویی روح بی‌قرار حبیب‌پور است که خود از شعله‌های آتش است و از میان زبانه‌های آتش سر بر می‌آورد. این لیست می‌تواند همین‌طور ادامه یابد. پرویز حبیب‌پور در پی یافتن راهی تازه برای ارتباط میان انسان‌ها به آموختن زبان اسپرانتو پرداخت. او به ضرورت صلح میان انسان‌ها به مثابه روح زبان اسپرانتو باور داشت و در همین راستا در کنگره جهانی اسپرانتو در پراگ شرکت کرد. پرویز به انباشت ثروت و زندگی لوکس گرایشی نداشت. جیپ کهنه‌ای داشت که به دلیل فرمان خشکش رانندگی با آن بسیار سخت بود، ولی او تمایلی به خرید اتومبیلی لوکس و تازه نداشت. تا پیش از بیماری، هر روز با همین جیپ به کارگاه خود می‌رفت و تا دیروقت به نقاشی مشغول بود. پرویز حبیب‌پور الگویی است از زندگی شرافتمندانه و کار و تلاش خستگی‌ناپذیر که در میان نقاشی‌های ارزشمندش همواره زنده خواهد ماند.

درگذشت یک آهنگساز و یک بازیگر

آرمان مهربان، آهنگساز موسیقی ارکسترال در بیمارستان مدائن چشم از جهان فروبست. همچنین کوروش زارعی نیز در منزلش پس از یک دوره بیماری درگذشت. آرمان مهربان، آهنگساز ۵۲ساله، که سال‌های پایانی عمر خود را با بیماری سرطان سپری کرد، از هفته گذشته و در پی تشدید عارضه جسمانی، در وضعیت کما قرار داشت. مهربان در کارنامه هنری خود ساخت صدها قطعه موسیقی را ثبت کرده بود. در سال‌های فعالیت این هنرمند، آثارش توسط رهبران ارکستری از جمله آرش امینی، نصیر حیدریان و همایون رحیمیان اجرا شده است. مراسم بدرقه پیکر آرمان مهربان چهارشنبه ۲۰ آبان‌ماه ساعت ۱۰ صبح از مقابل حوزه هنری آغاز می‌شود و پیکر او برای خاکسپاری به قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) منتقل خواهد شد. همچنین قرار است مراسم بدرقه پیکر کوروش زارعی ، امروز سه‌شنبه ۱۹ آبان ساعت ۹:۳۰ صبح در حوزه هنری برگزار شود. اما مراسم تشییع و خاکسپاری پیکر زنده‌یاد زارعی روز چهارشنبه ۲۰ آبان در شهر قم برگزار خواهد شد.